

منیر طه

ارمغان برای غلامحسین بنان
این غزل و ترانه «عاشق شیدا» ، شماره ۱۹۰
گلها ، سه گاه

نغمه سرا در گرو نغمه گر

نه کسی همنفس گرمی آوای تو بود
نه سری بهره ور از موهبت نای تو بود
نه تنی ، سوخته جان ، چون من جانسوخته بود
نه دلی شیفته همچون دل شیدای تو بود
روشنی بخش دل و دیده دنیا بودی
ظلمت کوردلان ظلمت دنیا تو بود ۱
کوری چشم فلک را که تو آش ماه شدی
همه جا روشنی مهر دلارای تو بود
مهر اگر همچو تو رخشید تو آش نور شدی ۲
ماه اگر چون تو درخشید به سودای تو بود
هستی ار همچو تو پایید تو آش پایه شدی ۳
بودی ار بود جهان را همه در پای تو بود
گوی امشب همه آن خاطره انگیز شب است
که دلم در کف تو غرق تماشای تو بود
تو و آن شور که می ریخت به جان و دل من
من و آن شوق که در شور تمنای تو بود
یاد باد از من و از آنهمه بزم آرای ۴
که به شوق تو و شور دم و آوای تو بود

من اگر نغمه سرای سخن عشق شدم

سخنم در گرو نغمه گری های تو بود

کاش بودی و به چشم دل و جان می دیدی
کامشب اینجا چه بجا هوای تو و های تو بود
گرد هم آمده عشاق تو یاد تو کنند
آوخ آوخ که در اینجا چه تهی جای تو بود
رفتی و هیچ ندیدی که شدم گرد رخت
در کنارم دل سرگشته شکیبای تو بود
تا ، کی آواز برآید به کدام انجمنی
که منیرا دل ما نقش قدم های تو بود

ونکوور ، بهار ۱۳۶۵ - ۱۹۸۶ ، ضیافت یاد و بزرگداشتش
این غزل در کتاب پاییز در پرچین باغ آمده است.

۱- در سال ۱۳۳۶ در تصادف اتومبیل ، یک چشمش را از دست داد .

در همین سال به سبب شکستگی استخوان زانو ، برای معالجه به وین رفته و در Unfallkrankenhaus بستری شدم . پس از رفتن من به وین و پیش از تصادف، ترانه « عاشق شیدا » را با صدای آنچنان و همچنان بی همتایش اجرا کرد . بعد از تصادف برای جایگزینی چشمش به وین آمد و پیش از بستری شدنش غروبی در غربت آن بیمارستان « عاشق شیدا » را برایم خواند .
ترانه های کم شمار من هریک از داستانی برخوردارند دارند و « عاشق شیدا » نیز . که وقتی بدان خواهم پرداخت .

-
- ۱ - اشاره به آسیب دیدن چشمش و بخش هایی از ترانه « عاشق شیدا » :
 - ۲ - اگر مهري رخشد تو آن مهري اگر ماهي تابد تو آن ماهي
 - ۳ - اگر هستي پايد تو هستي اگر بودي پايد تو بودي (هستي ، هم در ترانه و هم در غزل ، همانند اگر مهري ... ، اگر ماهي ... ، اگر بودي ... تلفظ ميشود به معنای اگر آفرینشی بپايد تو آن آفرینش هستی .
 - ۴ - شمیم روح افزایی ، مُشکي ، عودي منیر بزم آرایي ، چنگي ، رودي

به چشم ظاهر در هشتم اسفند ۱۳۶۴ از میان ما رفته است.